

شهادت اعضای بدن در حالی که زبان بسته است!



اعضا و جوارح علیه انسان حرف می زند
در دنیا تمام اعضا و جوارح تابع انسان هستند اما در آخرت نه تنها تابع میل او نخواهند بود، بلکه به مخالفت او بر می خیزند و شهادت به انجام ندادن احکام الهی از جانب او می دهند. همین دست و زبان و پای که در دنیا به اختیار من کار می کنند، در عالم آخرت برخلاف خواست و میل من، به شهادت علیه من قیام می کنند که خدا می فرماید: «امروز بر دهان هایشان مهر می نهم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به کارهایی که در دنیا انجام داده اند شهادت می دهد. (یس، ۶۵) امروز همه ی اعضای ما در مرحله ی حمل شهادت هستند، یعنی حضور دارند و می بینند که ما چه کار می کنیم. این اعضا و جوارح درک و شعور دارند که هم می توانند حمل شهادت کنند و هم روز قیامت، آن را بیان کنند.

مگر می شود اعضای بدن به حرف در بیایند؟

خاستگاه شهادت دادن اعضا بدن آن است که اولاً، به دلیل آیاتی همچون «...وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَخِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَئِنْ كُنَّا لَتَقْفُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ...» هیچ موجودی نیست مگر آن که خدای را تسبیح می کند ولی شما آن را در نمی یابید» (اسراء، آیه ۴۴) به موجودات غیر زنده گونه ای آگاهی نسبت داده شده، فهمیده می شود، غیر از انسان و حیوان، سایر موجودات از جمله نباتات و جمادات نیز هر چند با اختلاف مرتبه نسبت به انسان، دارای شعور و اراده و آگاهی اند. ثانیاً به دلیل این که پدید آورنده همه موجودات خداوند بوده و در نتیجه میان او و پدیده ها هیچ مانعی وجود ندارد تا او را از آنها بی خبر سازد. (حج، ۱۷ - احزاب، ۵۲ - حدید، ۴ - رعد، ۳۳)

پرسش مجربین: چرا علیه ما شهادت دادید؟

اعضای بدن در قیامت آن سببی را که موجب به زبان در آمدنشان شده بیان کرده و می گویند: ما در دنیا دارای علم بودیم؛ علمی پنهان و ذخیره شده در باطن خود و همین موجب شد که خداوند ما را به زبان آورد چرا که اگر ما علمی نمی داشتیم، به زبان آمدنمان فایده ای نداشت. حال که به همین دلیل ما را به زبان در آورد، ما نیز چاره ای نداشتیم جز این که آنچه را می دانستیم بگوییم. البته چون چیزی برخلاف نگفته اند از این رو، اجباری بودن شهادت به نافذ و حجت بودن آن ضروری وارد نمی آید. (محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۷۸ و نیز ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۶۰۷ - ۶۰۴)

کلام آخر:

آری! همان قدرتی که الان به این زبان توانایی حرف زدن داده است، در روز قیامت به دست و پا و گوش ما نیز توانایی حرف زدن خواهد داد: جَنِّي إِذَا مَا جَاؤُوهُمَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (فصلت ۲۰)

تکلم می باشند. در مقام جمع بین این دو آیه ممکن است گفته شود، آنچه در آیه ی مورد بحث از سوره ی «یس» نفی شده است تکلم به گونه ی عادی است که زبان در دنیا عادت به آن کرده و احیاناً با دروغ و تکذیب حقایق و انکار واقعیات، توأم می باشد و آنچه در سوره ی مبارکه ی نور اثبات شده است، تکلم به گونه ی اراده ی آثار مضبوط و مکنون از گفتارها و سخنان جاری بر زبان است از سنخ تکلم دست و پای انسان که شهادت به عامل صادر شده از خود می دهند و لذا در سوره «نور» هم از کار زبان در ردیف (یدی) و (ارجل) تعبیر به شهادت شده است که: (يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

مقدس او سر فرود می آورند، و حقایق را با شهادت خود آشکار می سازند، و چه دادگاه عجیبی است که گواه آن اعضای پیکر خود بدن انسان است، همان ابزاری است که گناه را با آن انجام داده! این آیه نشان می دهد که آن روز دهان ها بسته است و زبان ها مأذون در تکلم نمی باشند. ولی در سوره ی نور آمده است: يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره ی نور، آیه ی ۲۴)؛ روزی که زبان ها و دست ها و پاهای آنها، به اعمالی که انجام داده اند، شهادت می دهند.

آیه ی اخیر دلالت بر این دلالت دارد که زبان ها هم آن روز مأذون در

قیامت روزی است که اگر در دلمان حقد، حسد، بدبینی، بدخواهی، امراض گوناگون قلبی، کینه ورزی نسبت به صالحان و شوق و عشق نسبت به گناهان پنهان کرده باشیم، آن جا همه آشکار می شود. قیامت، واقعه ی عجیبی است: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره مبارکه یس آیه ۶۵) امروز مهر بر دهانشان می نهم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به کارهایی که کرده اند گواهی می دهند.

در آن روز دیگر اعضای انسان تسلیم تمایلات او نیستند، آنها حساب خود را از کل وجود انسان جدا کرده تسلیم پروردگار می شوند، و بر آستان

طرح: عصر مردم

جدول شماره ۹۵/۱۰۲۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

افقی:

- ۱- از اشقیای کربلا- لقب ابن زیاد
- ۲- ضمیر اشاره به دور- با قار- درخت خوش قد و قامت
- ۳- کنایه از شخص معتاد از کار افتاده- آغشته به رنگ- صحرایی بین مصر و فلسطین اشغالی
- ۴- نوعی آزمایش قلبی- غربال خانگی- فرخندگی- رود مصری
- ۵- همسر اول حضرت ابراهیم(ع)- ضمیر اول شخص مفرد- مادر عرب
- ۶- سازش و کنار آمدن- نترس و اهل ریسک
- ۷- خطاکار- نوعی نمایش- خرقه
- ۸- درخواست- ویتامین انعقاد خون- مرورید- طایفه
- ۹- دستاوردها- از هیدروکربن ها- گهواره
- ۱۰- برای ثمردهی و باروری گیاهان لازم است- مدخل- پاسخ منفی عرب
- ۱۱- حرارت بالای بدن- خدای درویشان- رود آرام روسی- توان
- ۱۲- چشم- از ضمائر عربی- بخشش- نشیمنگاه مرتفع
- ۱۳- مرکز انگلستان- سردرگم آن به سادگی باز نمی شود- نامی دخترانه
- ۱۴- رشته کوهی آمریکایی- از رونق افتاده- حرف زیادی
- ۱۵- ایزوگام قدیمی- از سبزیجات معطر

عمودی:

- ۱- بی نصیبی- از خطوط زیبا
- ۲- بخشی از استخوان صورت- تب لینی- وسط

۹۵/۱۰۲۳ جدول شماره جواب

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

- ۱- خاک کوزه گری- زخم کهنه شده و چوک کرده- فلز خجالتی
- ۲- رنگ کاروان- از حیوانات مودی- سلاح کاشتنی- ترس
- ۳- زندانی در تهران- آسودگی- در بند بودن
- ۴- سلاح مار- سر سوزن سرنگ را گویند- مقابل جزء
- ۵- مثل و مانند- روستایی بین سنج و مروارید که قرآنی قدیمی دارد- به فک و دندان کوسه می گویند
- ۳- الفت گرفته- طبل زن- فقیر
- ۴- شل- درس ناخوانده- گریبان- عار
- ۵- واحد اندازه گیری طول در انگلیس- بر پشت شتر و استر می بستند- مادر ورزش ها
- ۶- مرکز بوداییان تبت- مخفف اینک
- ۷- از رودهای مرزی- از توابع تهران بزرگ- رودخانه ای در فارس و بوشهر
- ۸- بن مضارع از مصدر دیدن- از شاخه های ورزش دو- تکخال
- ۹- خفت آور- برابر- دوزنده کفش
- ۱۰- دریا- زادگاه رئیسعلی تنگستانی- هنوز پست نشده

سودوکو

جدول شماره ۹۵/۴۸۶

۲	۵	۳		۶	۱			
۹			۵	۷	۲			
		۴	۱	۲			۶	
۷					۹	۴		
۶							۵	
	۸	۱					۲	
۱				۶	۵	۸		
		۸	۷	۴			۱	
	۶	۸			۳	۷	۹	

جدول شماره ۹۵/۴۸۵

۵	۹	۶	۷	۸	۴	۱	۳	۲
۷	۴	۲	۱	۹	۳	۶	۸	۵
۱	۳	۸	۶	۵	۲	۴	۷	۹
۳	۷	۵	۲	۱	۹	۸	۴	۶
۹	۸	۱	۴	۷	۶	۵	۲	۳
۶	۲	۴	۸	۳	۵	۷	۹	۱
۴	۵	۷	۳	۲	۱	۹	۶	۸
۸	۱	۳	۹	۶	۷	۲	۵	۴
۲	۶	۹	۵	۴	۸	۳	۱	۷

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پرنرنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است. تعدادی از خانه ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود. اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می شود و نباید تکراری باشند.